روابط بینامتنیّت حکمت‌های نهج‌البلاغه با آیات قرآن ـ مینا جیگاره، زهرا صادقی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال چهاردهم، شماره ۵۶ «ویژه کتابشناخت متون امامیه»، پاییز۱۳۹۶، ص ۹-۲۵

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

روابط بینامتنیّت حکمت‌های نهج‌البلاغه با آیات قرآن

مینا جیگاره*
زهرا صادقی**

چکیده: نظریهٔ بینامتنی یا تناصّ، به بررسی متونی می‌پردازد که متون جدید را پدید می‌آورند و هر متن ادبی را به منزلهٔ جذب و دگرگون‌سازیِ دیگر متون گذشته و یا همزمان با آن می‌داند. روابط بینامتنی(تناصّ) با قرآن در حکمت‌های نهج‌البلاغه به طور آشکار قابل مشاهده است. در یک تقسیم‌بندی تناص به سه نوع تناص اجترار (نفی جزئی)، تناص امتصاص (موازی) و حوار (نفی کلی) تقسیم شده است. عملیات بینامتنی در حکمت‌های نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که بیشترین نوع تناص موجود در آن، از نوع تناصّ اجترار است. یعنی امام علی‌علیه‌السلام گاه از کل آیه و زمانی از قسمتی از آیه و یا کلماتی از آن بهره جسته تا هدف خود را بهتر به مخاطب القا نماید.

کلیدواژه‌ها: بینامتنی(تناصّ)، بینامتنی قرآنی، حکمت‌های نهج‌البلاغه.

---

*. استاد یار دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها) m.jigare91@yahoo.com
**. کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها).

سؤالات پژوهشی

۱. آیا در حکمت‌های نهج‌البلاغه پدیدهٔ تناصّ را می‌توان یافت؟

۲. تناصّ به کار رفته در حکمت‌های نهج‌البلاغه بیشتر از چه نوع تناصّی است؟

۳. منبع اصلی تناصّ در نزد امام علی علیه‌السلام چیست؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. پدیدهٔ تناصّ در حکمت‌های نهج‌البلاغه به طور آشکاری وجود دارد.

۲. بیشتر تناصّ‌های به کار رفته در حکمت‌ها، از نوع تناصّ اجترار یا نفی جزئی است.

۳. منبع اصلی تناصّ در نهج‌البلاغه، قرآن و آیات قرآن کریم است.

مقدمه[۱]

ارائهٔ تعریفی از بینامتنیّت مانند دیگر متون نقدی- ادبی کاری آسان نیست. این معنا به تعدّد تعاریف بینامتنیّت یا تناصّ و نو بودن این مفهوم در اصطلاحات جدید نقدی برمی‌گردد.

«در هم تنیدگیِ متون» -که از آن به نظریه بینامتنیّت یا تناصّ یاد می‌شود- حاصل رویکرد زبان شناختی به ادبیات و نقد متن محور است، و چنان مورد توجه ناقدان عرب قرار گرفته است که آن را امری اجتناب‌ناپذیر برای هر متنی می‌دانند. بر اساس این نظریه، هر متن ادبی بینامتنیتی است و هر اثری تحت تأثیر آثار قبل یا همزمان با خود قرار می‌گیرد، با تغییر و تصرف در آن‌ها پدید می‌آید و به خود هویت می‌بخشد. به عبارت دیگر، هر اثری مرجعی دارد که قبل از آن یا

۱. در اینجا باید یاد کرد از استاد فقید مرحوم دکتر سید جواد مصطفوی، که نزدیک به نیم قرن پیش، با نگارش کتاب "رابطه‌ی نهج‌البلاغه با قرآن"، دهها نمونه از این پیوند را نشان داده، در زمانی که هنوز نظریه‌ی تناصّ مطرح نبوده است. برای بررسی نمونه‌های دیگر از تناصّ که در این مقاله نیامده، می‌توان به کتاب یاد شده رجوع کرد. (ویراستار)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

همزمان با آن بوده است، زیرا ویژگی ذهنی انسان اقتضاء می‌کند تا پیوسته از تجربیات ذهن پویای خود استفاده کند و رسوبات ذهن خود را آگاهانه یا ناخودآگاه به کار گیرد. (اسدی، بی‌تا، ص ۲۸)

مفهوم تناصّ در عصر جدید رو به رشد نهاده، مخصوصاً تناصّ قرآنی که جایگاه والایی در ادب معاصر را به خود اختصاص داده است، به گونه‌ای که اغلب نویسندگان و شاعران آن را به کار برده و در عرصهٔ آن وارد شده‌اند. علت این توجه و اهتمام به تناصّ قرآنی را می‌توان وجود دلالات عمیق و مضامین والای قرآنی دانست که هر نویسنده و شاعری – با توجه به توانایی خود– از آن بهره جسته است. (سلیمی،۱۳۹۱، ص ۸۲)

این مفهوم در شمار جدیدترین مفاهیم هنری مورد توجّه شعر جدید است که به متن، عمق و غنا می‌بخشد (بلاوی، طالب‌زاده،۲۰۱۱، ص۸۳)، نیز آن را در شمار نظریات نقدی جدید می‌دانند برای بررسی روابط بین متن‌هایی که موجب آفرینش متون جدید می‌گردد و هر متن ادبی را به منزلهٔ جذب و دگرگون‌سازیِ دیگر متون گوناگون گذشته و یا همزمان با آن می‌داند.

در تعریفی دیگر، بینامتنیت تشکیل شدن متن از متون گذشته و یا متون همزمان با آن است، به طوری که متن جدید خلاصهٔ تعدادی از متون می‌باشد که فاصله میان آن‌ها از میان رفته و به متنی هماهنگ با دلالت‌های یکسان در اصلش تبدیل شده است و هر متنی جذب و تغییر دادن بسیاری از متون دیگر است. این بدان معناست که متن، نتیجهٔ متون و یا باقیمانده‌های متون معروف و غیر معروفِ پیش از آن و یا همزمان با آن است که بستگی به قدرت مؤلف آگاه و سازندهٔ ماهر دارد. (الموسی،۲۰۰۰، ص ۹۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

تاریخچهٔ نظریهٔ بینامتنی

اصطلاح تناص در سال ۱۹۶۹ به دست جولیا کریستوفیا پا به عرصه وجود نهاد. البته پیش از او این اصطلاح را باختین به عبارتی نزدیک به آن نام‌گذاری کرده بود و در گروه تل کل بودند به کار می‌بردند، جز اینکه کرستوفیا نام‌گذاری نهایی را که همان تناص است به آن داد. (عزام، ۲۰۰۱، ص ۵۳)

کریستوفیا عقیده دارد که هر متنی برگرفته و تحولی از متون دیگر است. او با این تعریف متن حاضر و متن غائب را وارد بینامتنیت کرد. (الموسی،۲۰۰۰، ص ۵۲)

جولیا کریستوفیا اصطلاح بینامتنیت را در بحث‌های زیادی در کتاب‌هایی که در سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ می‌نوشت به کار برد. و در این باره به آراء نقدی باختین در پژوهش‌هایش در خصوص داستایوفسکی و رابلیه تکیه می‌کند. باختین بیان می‌کند که خطاب ادبی خطاب ادبی دیگری را تکرار می‌کند و هر قراءتی به خودی خود خطابی را تشکیل می‌دهد. و نوشتن به معنای سه عنصر متن، نویسنده و مخاطب است، به علاوه عنصر تناص که با این عناصر سه‌گانه مورد بحث قرار می‌گیرد. (ابوشرار، ۲۰۰۷، ص ۳،۴)

در واقع بینامتنیت همان چیزی است که به متن معنا و ارزش می‌بخشد. بینامتنی نه تنها نظام اشاره‌ای و بسته متن را باز می‌کند، بلکه افق‌های جدیدی در فهم متن در برابر خواننده می‌گشاید و همان گونه که خود از متون گذشته تغذیه کرده است به نوبهٔ خود به ماده‌ای تبدیل می‌شود که متون آینده از آن بهره‌مند شوند. (حافظ، ۱۹۹۶، ص ۵۷،۵۸)

روابط بینامتنی

اشاره شد که بینامتنی از سه رکن اساسی تشکیل شده است: متن حاضر یا متن موجود، متن پنهان یا متن غائب و روابط بینامتنی. متن موجود همان متن حاضر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

است و متونی را که با متن کنونی تعامل دارد، متن غائب نامیده‌اند. یعنی هر گونه متنی (متن حاضر) حاصل یک فرآیند تبدیل (عملیات بینامتنی) از متون دیگری (متون پنهان) است. (الموسی،۲۰۰۰، ص ۵۳)

هر متنی متون مختلفی را در خود جای داده و در شکل کاملاً جدیدی آنها را آفریده است، به گونه‌ای که از این متون چیزی جز اشارتی باقی نمی‌ماند که خواننده را به متن پنهان راهنمایی کند. در نتیجه روابط بین این سه عنصر در هر متن ادبی به این صورت می‌گردد: هر متن مساوی است با متن حاضر که عبارت است از جذب و دگرگونی متون پیشین که همان عملیات بینامتنی است، و یا تناص از متون دیگر که مساوی است با متن پنهان. (همان، ص ۵۲)

قانون‌های بینامتنی

بازآفرینی متن پنهان یا حضور آن در متن حاضر به سه صورت انجام می‌گیرد:

۱. اجترار یا نفی جزیی: در این نوع تناص، متن حاضر ادامهٔ متن غائب است و آن نوعی برگردان برای متن است. (الموسی،۲۰۰۰، ص ۵۶) مؤلف در این نوع از روابط بینامتنی جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد. از این رو متن بر گرفته از متن غایب، می‌تواند یک جمله و یا یک عبارت و یا یک کلمه و مانند آن باشد. این نوع روابط به شکل سطحی‌تری نسبت به دو مورد قبلی انجام می‌پذیرد. چنین تعاملی که به شکل جزئی صورت می‌گیرد، می‌تواند از نظر معنای الفاظ و عبارات، مخالف یا موافق با متن غایب باشد. شاعر در متن خود براساس ذخایر ذهنی و معلومات موجود در ذهن خود، از سه شکل روابط بینامتنی یا تناص، بهره می‌گیرد. (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۸)

۲. نفی متوازی یا امتصاص: این نوع از تناص در مرتبه بالاتری از تناص اول قرار می‌گیرد. و در آن ادیب به اهمیت متن غائب و ضرورت جذب آن در درون

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

متن حاضر معترف است. (عزام، ۲۰۰۱، ص ۵۵) در این نوع از بینامتنی، معنی مقطعی متن، همان است، ولی شاعر یا نویسنده می‌تواند در معنی متن جدید خود، بیافزاید. بنابراین در این شکل از روابط بینامتنی، معنای متن غایب در متن حاضر تغییر اساسی‌ای ایجاد نمی‌کند، بلکه با توجه به مقتضای متن حاضر و با توجه به معنی آن، نقشی را که در همان متن غایب ایفا می‌کند، در متن حاضر نیز بر عهده دارد. این بدان معنی نیست که معنای متن غایب در این شکل، با معنایی که در متن حاضر ایفا می‌کند متناقض نیست، بلکه می‌تواند دارای معنای بیشتری باشد و یا با تغییر و تنوعی که به نوآوری و ابداع شاعر بستگی دارد، همراه گردد. (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۸)

۳. نفی کلی یا حوار: بالاترین نوع تناص این نوع از تناص است که بر قراءت آگاهانه و عمیق نسبت به متن حاضر و اثر متن غائب گذشته و یا معاصر تکیه دارد و روابط بین متون غائب و حاضر در سایه قوانین آگاهانه و غیرآگاهانه است. (عزام، ۲۰۰۱، ص ۵۶) در این نوع تناص، شاعر یا نویسنده مقطعی از متن غایب را در متن خود می‌آورد، در حالی که معنی متن متحول شده است. در واقع در نفی کلی مقدار زیادی از متن پنهان در متن حاضر بکار رفته و معمولاً این تعامل به شکل آشکار صورت می‌گیرد، چرا که خواننده با خواندن متن حاضر، به خاطر وفور و وضوحش به حضور بارز متن غایب در متن حاضر پی می‌برد و حامل بالاترین شکل تعامل با متن غایب است. در بیشتر مواقع در این شکل، کاربرد معنای متن غایب با معنای متن حاضر متفاوت می‌باشد. (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۸)

این سه مورد، از مهم‌ترین روابط و بخش‌های بینامتنی می‌باشند. البته دیگران بینامتنی را به انواع دیگری نیز تقسیم کرده‌اند، از جمله:

۱. تناص طبیعی؛ هنگامی که متن یک نویسنده در ارتباط با دیگر متون قرار

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

می‌گیرد و به صورت لغوی یا اسلوبی یا نوعی در اثرش مشخص می‌گردد. این یک امر طبیعی و گریزناپذیر برای نویسندگان یک عصر است.

۲. تناص داخلی؛ زمانی که متن یک نویسنده در ارتباط با متن نویسندهٔ هم عصرش قرار می‌گیرد، چه این متن‌ها، ادبی باشند و چه غیر ادبی.

۳. تناص خارجی؛ زمانی که متن نویسنده در ارتباط با متون دیگری قرار می‌گیرد که دورتر از عصر خودش ظاهر شده است.

۴. تناص آشکار؛ که نویسنده به صورت آشکار، از متن شخص دیگر در متنش استفاده می‌کند.

۵. تناص پنهان؛ که در آن نویسنده به صورت غیرآگاهانه در متنش، از متن نویسندهٔ دیگر استفاده کرده است. (خالص، ۲۰۰۵،۲۰۰۶، ص ۵۳)

معرفی نهج‌البلاغه

نهج‌البلاغه، منتخبی از«خطابه‌ها» و «دعاها» و «وصایا» و«نامه‌ها» و«جمله‌های کوتاه» مولای متقیان علی علیه‌السلام است. این اثر ماندگار که از متون اولیه فرهنگ اسلامی است، توسط ادیب علامه مرحوم سید شریف‌رضی رضوان الله علیه در سال ۴۰۰ هجری از میان صدها کتاب و منبع گزینش و گردآوری و تنظیم گردیده است.

تناص در حکمت‌های نهج‌البلاغه

پدیده بینامتنیت یا تناص یکی از پدیده‌هایی است که در حکمت‌های نهج‌البلاغه دیده می‌شود و امام علی علیه‌السلام آن را در حکمت‌ها به کار بسته، تا با استفاده از آیات کریمه قرآن هر چه بیشتر به بیان آراء و افکار خویش نائل شود، و آن را سند حقانیت گفتار خود قرار دهد. در این مقاله ترجمه نهج‌البلاغه محمد دشتی برای شماره حکمت‌ها مبنا قرار گرفته است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

متن حاضر– نمونه اول

«وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عليه‌السلام لِلسَّائِلِ الشَّامِيِّ لَمَّا سَأَلَهُ أَكَانَ مَسِيرُنَا إِلَى الشَّامِ بِقَضَاءٍ مِنَ اللَّهِ وَ قَدَرٍ بَعْدَ كَلَامٍ طَوِيلٍ هَذَا مُخْتَارُهُ: وَيْحَكَ لَعَلَّكَ ظَنَنْتَ قَضَاءً لَازِماً وَ قَدَراً حَاتِماً! لَوْ كَانَ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَبَطَلَ الثَّوَابُ وَ الْعِقَابُ وَ سَقَطَ الْوَعْدُ وَ الْوَعِيدُ. إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَمَرَ عِبَادَهُ تَخْيِيراً وَ نَهَاهُمْ تَحْذِيراً، وَ كَلَّفَ يَسِيراً وَ لَمْ يُكَلِّفْ عَسِيراً وَ أَعْطَى عَلَى الْقَلِيلِ كَثِيراً، وَ لَمْ يُعْصَ مَغْلُوباً وَ لَمْ يُطَعْ مُكْرِهاً، **وَ لَمْ يُرْسِلِ الْأَنْبِيَاءَ لَعِباً وَ لَمْ يُنْزِلِ الْكُتُبَ لِلْعِبَادِ عَبَثاً، وَ لَا خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا، ذلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ.**» (حکمت شماره ۷۸، ص ۶۳۹)

در این حکمت شخصی از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام از قضا و قدر می‌پرسد. و امام به او پاسخ می‌دهد و از آیات قرآن کریم و مفهوم آن‌ها بهره می‌جوید.

متن غائب: این حکمت با متن غائب، قرآن، ارتباط و تناص دارد. از جمله این آیه:

وَ ما خَلَقْنَا السَّماءَ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما باطِلاً. (ص، ۲۷)

همچنین امام علیه‌السلام در تکمیل سخن خویش ادامه آیهٔ یاد شده را به صورت کاملاً مستقیم و آشکار وارد کرده است، بدون اینکه در آیه تغییری ایجاد کرده باشد.

ذَالِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُواْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنَ النَّار. (ص، ۲۷)

عملیات بینامتنی: همانطور که مشاهده کردیم امام علیه‌السلام با استفاده از آیه۲۷ سوره مبارکه ص به سؤال کننده درباره قضاء و قدر پاسخ گفته و به این ترتیب با قرآن ارتباط برقرار می‌کند. رابطه متن حاضر با متن غائب، رابطه اجترار و یا نفی جزیی است، زیرا امام علیه‌السلام با تغییر اندکی در آیه ذکر شده با متن غائب ارتباط برقرار کرده است. و معنای عبارات و کلمات متن حاضر با متن غائب، مطابقت دارند.

متن حاضر– نمونه دوم

وَ حَكَى عَنْهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ عليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ: كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

اللَّه، وَ قَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا فَدُونَكُمُ الْآخَرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِ. أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِی رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ أَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِی فَالِاسْتِغْفَارُ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَی: وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ **ما كانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ**. (حکمت شماره ۸۸، ص ۶۴۲)

در این حکمت، امام علی دو عامل ایمنی از عذاب الهی را برمی‌شمرد و بیان می‌دارد که یکی از آن‌ها وجود مقدس رسول اکرم ﷺ است و دیگری استغفار کردن، و برای اثبات ادعای خویش، آیه ۳۳ سوره انفال را بدون کم و کاست مورد استشهاد قرار می‌دهد.

متن غائب: این حکمت با آیه ۳۳ سوره انفال ارتباط و تناصّ دارد.

وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ. (انفال، ۳۳)

عملیات بینامتنی: امام ؑ با بهره‌گیری از آیه ذکر شده به صحت ادعای خویش دربارهٔ در امان ماندن از عذاب الهی می‌افزاید و با متن غائب قرآن ارتباط برقرار می‌کند. رابطه متن حاضر با متن غائب، از نوع اجترار و یا نفی جزیی است. زیرا امام ؑ آیه را بدون تغییر در کلمات و جملات آن آورده است.

متن حاضر- نمونه سوم

وَ قَالَ ؑ: لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ: «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ»، لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَ هُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتْنَةٍ. وَ لَكِنْ مَنِ اسْتَعَاذَ فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: وَ اعْلَمُوا أَنَّما أَمْوالُكُمْ وَ أَوْلادُكُمْ فِتْنَةٌ. وَ مَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ لِيَتَبَيَّنَ السَّاخِطَ لِرِزْقِهِ وَ الرَّاضِیَ بِقِسْمِهِ، وَ إِنْ كَانَ سُبْحَانَهُ أَعْلَمَ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، وَ لَكِنْ لِتَظْهَرَ الْأَفْعَالُ الَّتِی بِهَا يُسْتَحَقُّ الثَّوَابُ وَ الْعِقَابُ، لِأَنَّ بَعْضَهُمْ يُحِبُّ الذُّكُورَ وَ يَكْرَهُ الْإِنَاثَ، وَ بَعْضَهُمْ يُحِبُّ تَثْمِيرَ الْمَالِ وَ يَكْرَهُ انْثِلَامَ الْحَالِ. (حکمت شماره ۹۳، ص ۶۴۴)

در این حکمت، حضرت علی ؑ از فلسفهٔ آزمایش‌ها سخن می‌گوید و به انسان‌ها سفارش می‌فرماید که از آزمایش‌های گمراه کننده به خدا پناه ببرند. و سپس انواع آزمایش‌ها را برمی‌شمرد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

متن غائب: امام علیه‌السلام برای بیان انواع آزمایش‌ها از جانب خداوند، به آیهٔ ۲۸ سوره انفال استشهاد می‌کند به طوری که متن آن آیه را در این حکمت می‌آورد.

وَ اعْلَمُواْ أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَة. (انفال، ۲۸)

عملیات بینامتنی: امام علیه‌السلام در این حکمت، آشکارا با متن غائب که همان قرآن است، ارتباط برقرار می‌کند و بر اساس آیه قرآن به بیان موارد ابتلای انسان می‌پردازد. از این رو ارتباط متن حاضر با متن غائب، از نوع رابط نفی جزیی و یا اجترار است، زیرا بدون کم و کاست متن آیه را در حکمت خویش وارد ساخته و با متن غائب پیوند زده است.

متن حاضر- نمونه چهارم

وَ قَالَ علیه‌السلام: إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْلَمُهُمْ بِمَا جَاءُوا بِهِ، ثُمَّ تَلَا: **إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا** - الْآيَةَ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ إِنْ بَعُدَتْ لُحْمَتُهُ، وَ إِنَّ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَ إِنْ قَرُبَتْ قَرَابَتُهُ. (حکمت شماره ۹۶، ص ۶۴۴)

این حکمت، دربارهٔ ارزش و فضیلت علم و بندگی بیان شده است. امام علی علیه‌السلام درباره دانایی و علم و بندگی بر اساس آن سخن می‌گوید. و برای تأکید این آموزه، به صورت کاملا آگاهانه و مستقیم، آیه ۶۸ سوره آل عمران را در سخنان خویش به کار می‌گیرد.

متن غائب: امام علیه‌السلام در این حکمت به خوبی توانسته است از متن قرآن برای بیان ارزش و فضیلت علم و بندگی سخن بگوید و این آیه را برای بیان و تأکید سخن خویش در کلامش بگنجاند:

إِنَّ أَوْلَىَ النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَبِيِ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ اللَّهُ وَلِيِ الْمُؤْمِنِين. (آل عمران، ۶۸)

عملیات بینامتنی: در این حکمت، امام علیه‌السلام بین متن خود و متن غائب یعنی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

قرآن، ارتباط برقرار کرده است و حضور متن غائب در متن حاضر آشکار است. نوع ارتباط هر دو متن، رابطه اجترار یا نفی جزئی است، زیرا آیه قرآن در متن حاضر بدون تغییر حضور دارد.

متن حاضر- نمونه پنجم

وَ قَالَ علیه‌السلام وَ قَدْ رَجَعَ مِنْ صِفِّينَ، فَأَشْرَفَ عَلَى الْقُبُورِ بِظَاهِرِ الْكُوفَةِ: يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ وَ الْمَحَالِّ الْمُقْفِرَةِ وَ الْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ! يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ! أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ. أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سُكِنَتْ وَ أَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ وَ أَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ، هَذَا خَبَرُ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَبَرُ مَا عِنْدَكُمْ؟ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَمَا لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ، لَأَخْبَرُوكُمْ **أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى**. (حکمت شماره ۱۳۰، ص ۶۵۴)

امام علیه‌السلام در این حکمت، از ضرورت توجه به فناپذیری دنیا سخن می‌گوید و یادآور می‌گردد که بهترین توشه برای آخرت تقوا است.

متن غائب: آیه زیر، از فضیلت و برتری تقوا به عنوان بهترین توشه سخن می‌گوید:

فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوى. (بقره، ۱۹۷)

عملیات بینامتنی: امام علیه‌السلام در حکمت خود سخن از تقوا به میان آورده و آن را با استفاده از آیه شریفه مذکور بهترین توشه معرفی می‌کند. در واقع با متن غائب به طور مستقیم ارتباط برقرار می‌کند، به طوری که رابطه متن حاضر با متن غائب، از نوع نفی جزئی یا اجترار است.

متن حاضر- نمونه ششم

وَ قَالَ علیه‌السلام لِرَجُلٍ سَأَلَهُ أَنْ يَعِظَهُ: لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَ يُرَجِّي التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ، يَقُولُ فِي الدُّنْيَا بِقَوْلِ الزَّاهِدِينَ وَ يَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاغِبِينَ، إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعْ وَ إِنْ مُنِعَ مِنْهَا لَمْ يَقْنَعْ، يَعْجِزُ عَنْ شُكْرِ مَا أُوتِيَ وَ يَبْتَغِي الزِّيَادَةَ فِيمَا بَقِيَ، يَنْهَى وَ لَا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

يَنْتَهِي وَ يَأْمُرُ بِمَا لَا يَأْتِي، يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ وَ يُبْغِضُ الْمُذْنِبِينَ وَ هُوَ أَحَدُهُمْ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ لِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِ وَ يُقِيمُ عَلَى مَا يَكْرَهُ الْمَوْتَ مِنْ أَجْلِهِ، إِنْ سَقِمَ ظَلَّ نَادِماً وَ إِنْ صَحَّ أَمِنَ لَاهِياً، يُعْجَبُ بِنَفْسِهِ إِذَا عُوفِيَ وَ **يَقْنَطُ إِذَا ابْتُلِيَ إِنْ أَصَابَهُ بَلَاءٌ دَعَا مُضْطَرّاً وَ إِنْ نَالَهُ رَخَاءٌ أَعْرَضَ مُغْتَرّاً.** (حکمت شماره ۱۵۰، ص ۶۶۲)

این حکمت در خصوص ضد ارزش‌ها و اخلاق‌های ناپسند است که آن‌ها را نکوهش می‌کند. یکی از این خصوصیت‌های ناپسند است که زمانی است که انسان ناسپاس گرفتار مصیبتی می‌شود، با زاری خدا را می‌خواند و به او پناه می‌برد. اما چون به آسایش و راحتی می‌رسد، مغرور شده و خدا را فراموش می‌کند و...

متن غائب: امام علیه‌السلام در حکمت بالا به دو آیه از آیات قرآن اشاره می‌کند:

وَ إِذا أَنْعَمْنا عَلَى الْإِنْسانِ أَعْرَضَ وَ نَأى بِجانِبِهِ وَ إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعاءٍ عَرِيضٍ. (فصلت،۵۱)

وَ إِذا أَنْعَمْنا عَلَى الْإِنْسانِ أَعْرَضَ وَ نَأى بِجانِبِهِ وَ إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ كانَ يَؤُساً. (اسراء،۸۳)

عملیات بینامتنی: در این حکمت امام علیه‌السلام به برقراری رابطه بین متن حاضر و متن غائب می‌پردازد، و به صورت غیرمستقیم به مفهوم دو آیه مذکور اشاره می‌کند. رابطه بین متن حاضر با متن غائب، از نوع رابطه امتصاص و یا نفی متوازی است، زیرا امام از مفهوم دو آیه استفاده کرده و از طرفی متن غائب و حاضر نیز با هم تناقضی ندارند.

متن حاضر- نمونه هفتم

وَ قَالَ علیه‌السلام: لَا يُزَهِّدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُهُ لَكَ، فَقَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَسْتَمْتِعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ وَ قَدْ تُدْرِكُ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ، **وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.** (حکمت شماره ۲۰۴، ص ۶۷۲)

در این حکمت امام علیه‌السلام از کارهای نیک و پسندیده سخن می‌گوید و نصیحت می‌کند که نباید در برابر ناسپاسی دیگران انجام کار نیک را ترک کرد، زیرا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

خداوند کسانی را که کارهای نیک انجام می‌دهند، دوست دارد.

متن غائب: امام علیه‌السلام نیکویی و سپاسگزاری را به محسنین یعنی نیکوکاران نسبت می‌دهد. و در این باره به بخشی از آیات زیر استناد می‌جوید:

الَّذینَ یُنْفِقُونَ فِی السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْکاظِمینَ الْغَیْظَ وَ الْعافینَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنینَ (آل عمران، ۱۳۴) – نیز بنگرید: آل عمران،۱۴۸؛ مائده، ۹۳؛ بقره،۱۹۵.

عملیات بینامتنی: امام علیه‌السلام قسمتی از آیه قرآن را در متن خود می‌آورد، و بیان می‌دارد که نیکوکاران در نزد خداوند عزیزند و خداوند آن‌ها را دوست می‌دارد. رابطه متن حاضر و متن غائب، از نوع رابطه نفی جزئی و یا اجترار است، زیرا حضرتش قسمتی را از آیه را بدون تغییر در متن خود می‌آورد.

متن حاضر- نمونه هشتم

وَ قَالَ علیه‌السلام: لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْیَا عَلَیْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا، وَ تَلَا عَقِیبَ ذَلِكَ: **وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ.** (حکمت شماره۲۰۹، ص ۶۷۲)

امام علیه‌السلام در این حکمت از ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه سخن می‌گوید. و بیان می‌دارد که دنیا پس از رویگردانی، به ایشان روی خواهد آورد، زیرا خداوند اراده کرده است که بندگان مستضعف، زمین را به ارث برده و ائمه را وارثان زمین گردند.

متن غائب: آیه زیر به صورت مستقیم و بدون تغییر در حکمت بالا آمده است:

وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ. (قصص، ۵)

عملیات بینامتنی: امام علیه‌السلام از متن غائب استفاده کرده و ظهور حضرت مهدی را قطعی نشان داده و به ارث بردن زمین توسط بندگان مستضعف را تأکید می‌کند. رابطه متن حاضر با متن غائب، از نوع اجترار یا نفی جزئی است، زیرا آیه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

بدون کم و کاست در حکمت امام علیه السلام وارد شده است.

متن حاضر- نمونه نهم

وَ قَالَ علیه السلام: کَفَی بِالْقَنَاعَةِ مُلْکاً وَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِیماً. وَ سُئِلَ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَی: **فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاةً طَیِّبَةً** فَقَالَ هِیَ الْقَنَاعَةُ. (حکمت شماره ۲۲۹، ص ۶۷۶)

امام علیه السلام در این حکمت به ستودن دو خصلت پسندیده در انسان اشاره می‌کند: قناعت و خوش خلقی، که اولی مایهٔ دولتمندی و دیگری مایهٔ فراوانی نعمت در نزد انسان خواهد شد. در ادامه حضرتش در تفسیر عبارت «حَیاةً طَیِّبَةً» می‌فرماید که زندگی نیکو، همان قناعت کردن است.

متن غائب: در این حکمت، گوشه‌ای از آیه ۹۷ سوره نحل آمده که به زندگی نیکو اشاره دارد:

مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاةً طَیِّبَةً وَ لَنَجْزِیَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما کانُوا یَعْمَلُونَ. (نحل،۹۷)

عملیات بینامتنی: امام علیه السلام در این حکمت با متن قرآنی ارتباط برقرار کرده و قسمتی از آن را آورده است. رابطه متن حاضر با متن غائب، از نوع رابطه اجترار یا نفی جزئی است، زیرا امام علیه السلام قسمتی از آیه را به کار برده است.

متن حاضر- نمونه دهم

وَ قَالَ لَهُ بَعْضُ الْیَهُودِ: مَا دَفَنْتُمْ نَبِیَّکُمْ حَتَّی اخْتَلَفْتُمْ فِیهِ. فَقَالَ علیه السلام لَهُ: إِنَّمَا اخْتَلَفْنَا عَنْهُ لَا فِیهِ، وَ لَکِنَّکُمْ مَا جَفَّتْ أَرْجُلُکُمْ مِنَ الْبَحْرِ حَتَّی قُلْتُمْ لِنَبِیِّکُمْ: **اجْعَلْ لَنا إِلهاً کَما لَهُمْ آلِهَةٌ قالَ إِنَّکُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ.** (حکمت شماره ۳۱۷، ص ۷۰۴)

در این حکمت، سخن از اختلاف مسلمانان و انحراف یهودیان رفته است. و امام علی علیه السلام سخن آن یهودی را که با گوشه و کنایه با مسلمانان سخن می‌گوید، با آوردن آیه‌ای از قرآن پاسخ می‌دهد.

متن غائب: امام علیه السلام قسمتی از آیه زیر را به صورت مستقیم و بدون تغییر، در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

حکمت خود آورده است.

وَ جاوَزْنا بِبَنی إِسْرائیلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلی قَوْمٍ یَعْکُفُونَ عَلی أَصْنامٍ لَهُمْ قالُوا یا مُوسَی اجْعَلْ لَنا إِلهاً کَما لَهُمْ آلِهَةٌ قالَ إِنَّکُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ. (اعراف، ۱۳۸)

عملیات بینامتنی: میان متن حاضر و متن غائب، ارتباط و تناص برقرار است، از نوع اجترار یا نفی جزئی، زیرا امام علیه‌السلام آیه را بدون تغییر در متن خود آورده است.

متن حاضر- نمونه یازدهم

وَ قَالَ علیه‌السلام: الْأَقَاوِیلُ مَحْفُوظَةٌ وَ السَّرَائِرُ مَبْلُوَّةٌ، وَ **کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ رَهِینَةٌ،** وَ النَّاسُ مَنْقُوصُونَ مَدْخُولُونَ إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ، سَائِلُهُمْ مُتَعَنِّتٌ وَ مُجِیبُهُمْ مُتَکَلِّفٌ، یَکَادُ أَفْضَلُهُمْ رَأْیاً یَرُدُّهُ عَنْ فَضْلِ رَأْیِهِ الرِّضَی وَ السُّخْطُ، وَ یَکَادُ أَصْلَبُهُمْ عُوداً تَنْکَؤُهُ اللَّحْظَةُ وَ تَسْتَحِیلُهُ الْکَلِمَةُ الْوَاحِدَةُ. (حکمت شماره ۳۴۳، ص ۷۱۰)

در این حکمت، امام علیه‌السلام در خصوص اعمال و رفتار انسان‌ها سخن می‌گوید هر کسی در گرو اعمال و رفتار خویش است.

متن غائب: در اینجا امام علیه‌السلام آیه زیر را آورده و نوعی ارتباط برقرار کرده است:

کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ رَهِینَةٌ. (مدثر، ۳۸)

عملیات بینامتنی: امام علیه‌السلام بین متن حاضر و متن غائب یعنی قرآن رابطه تناص اجترار و یا نفی جزئی را آفریده است.

متن حاضر- نمونه دوازدهم

وَ قَالَ علیه‌السلام: مَعَاشِرَ النَّاسِ! اتَّقُوا اللَّهَ فَکَمْ مِنْ مُؤَمِّلٍ مَا لَا یَبْلُغُهُ وَ بَانٍ مَا لَا یَسْکُنُهُ وَ جَامِعٍ مَا سَوْفَ یَتْرُکُهُ وَ لَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ وَ مِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ، أَصَابَهُ حَرَاماً وَ احْتَمَلَ بِهِ آثَاماً، فَبَاءَ بِوِزْرِهِ وَ قَدِمَ عَلَی رَبِّهِ آسِفاً لَاهِفاً، **قَدْ خَسِرَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَةَ ذلِکَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِینُ.** (حکمت شماره۳۴۴، ص ۷۱۰)

این حکمت در خصوص ناپایداری دنیا و فناپذیری آن است. چه بسا کارهایی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

که انجام‌دهندگان آن را نیمه‌کاره رها کرده و از دنیا می‌روند، و چه بسا گناهکارانی که کار باطلی را انجام داده و بار آن گناه را بر دوش می‌کشند.

متن غائب: در این حکمت، امام علیه‌السلام به آیه زیر اشاره دارد و بین آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلى حَرْفٍ فَإِنْ أَصابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةَ ذلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِينُ. (حج، ۱۱)

رابطه بینامتنی: امام علیه‌السلام در این حکمت با متن غائب ارتباط برقرار کرده و نوعی از تناص اجترار یا نفی جزئی را خلق کرده، زیرا قسمتی از آیه را بدون تغییر آورده است.

نتیجه‌گیری

از رهگذر این مقاله می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. زبان‌شناسان از تناص تقسیم‌بندی‌های مختلفی را ارائه داده‌اند که می‌توان از میان آن‌ها به تناص اجترار، امتصاص و حوار اشاره کرد.

۲. تناص در حکمت‌های نهج‌البلاغه بررسی شده که امام علی علیه‌السلام در آن‌ها نوعی از بینامتنیت را با قرآن برقرار کرده و از این طریق برای بیان اهداف خود مدد جسته است.

۳. درمیان دوازده نمونه که در این مقاله آمده، بیشترین نوع تناص در نهج‌البلاغه از نوع اجترار یا نفی جزئی است و تنها در حکمت‌ها یک نمونه از تناص متوازی یا امتصاص را می‌توان یافت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]

منابع

قرآن کریم

۱. ابو شرار، ابتسام موسی(۲۰۰۷)، *التناصّ الدینی و التاریخی فی شعر محمود درویش*، اشراف: دکتر نادر قاسم، جامعه الخلیل.

۲. اسدی، عبدالستارجبر(بی‌تا)، *ماهیة التناص: قراءه فی اشکالیة النقدیة رباط*: دار النشر المغربیه، مجله فکر و نقد، شماره ۲۸.

۳. حافظ، صبری (۱۹۹۶)، *افق الخطاب النصی*، قاهره، دار الشرقیات للنشر و التوزیع.

۴. خالص، زهره، (۲۰۰۵-۲۰۰۶)، *التناص التراثی فی حدیث ابو هریره قال..لمحمود مسعدی*، جامعه الجزائر.

۵. دشتی، محمد(۱۳۸۵)، *ترجمه نهج‌البلاغه*، تهران، ستاد اقامه نماز.

۶. سلی میعلی، عبدالصاحب طهماسبی(۱۳۹۱)، *التناص القرانی فی الشعر العراقی المعاصر*، مجله اضاءات النقدیه، سال دوم، شماره ۶.

۷. طالب‌زاده، عباس، بلاوی، رسول، (۲۰۱۱)، *التناص القرانی فی شعر یحیی السماوی*، نشریه مقالات تخصصی دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۹.

۸. عزام، محمد، (۲۰۰۱)، *تجلیات التناص فی الشعر العربی*، دمشق، اتحاد الکتاب العرب.

۹. الموسی، خلیل، (۲۰۰۰)، *قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر*، بیروت، اتحاد الکتاب العربی.

۱۰. منتظری، حسن، (۲۰۱۱)، *آشنایی اجمالی با نهج‌البلاغه*، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.

۱۱. میرزایی، فرامرز، واحدی، ماشاءالله(۱۳۸۸)، *روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر*، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۲۵.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.1.7]